

بررسی مشکلات آموزشی دانش آموزان و چگونگی مقابله با آنها

● علیرضا عصاره

قسمت دوم



اشاره:

در قسمت اول این مقاله دلایل رغبت درونی فراگیران به درس و مدرسه را بیان نمودیم و گفتیم بی‌علاقگی درسی و آموزشی دانش آموزان ریشه در نارسایی ما و مشکلات دیگری دارد که از آن جمله‌اند: مشکلات جسمی، عاطفی، و... بعد از طرح مشکلات جسمی در شماره گذشته اینک به بیان بقیه مشکلات می‌پردازیم.

ب: مشکلات عاطفی

همچنان که پیشتر گفته شد بعضی از دانش‌آموزان دچار مشکل عاطفی می‌باشند، دانش‌آموزی که به تناسب سن خود نتواند رفتار مورد انتظار در جامعه را (رفتار عادی) از خود ظاهر سازد مثلاً در مقابل تذکرات عادی معلم، یا والدین به گریه بیفتد یا در مقابل حوادث عادی، دچار اضطراب و نگرانی بیش از حد شود، در مقابل شوخی‌های دوستانه همکلاسیها دچار خشم شدید و نگرانی فراوان گردد و خلاصه آنگونه رفتاری انجام دهد که با رفتارهای عادی مغایرت داشته باشد، چنین دانش‌آموزی ممکن است دچار مشکل عاطفی بوده و این امر بر روند آموزشی او تأثیر منفی بگذارد، علت تأثیر منفی چنین روحیه‌ای عدم سازگاری او با محیط کلاس، جامعه، همکلاسیها می‌باشد. چنین فردی هم از طریق جامعه همکلاسی منزوی می‌شود و هم به دلیل تلقی ناخوشایند از هر گونه رفتار معلم و والدین مستمراً دچار بحران روحی بوده و بنابراین از محیطی که این بحرانها برایش ساخته می‌شود بیزار و فراری می‌گردد.

برای مقابله با مشکلات عاطفی دانش‌آموزان باید ابتدا رفتار غیر عادی مربوطه را معین نمود و سپس ریشه چنین رفتاری را که ممکن است مربوط به موقعیت خانوادگی فرد بوده یا به چگونگی برخورد معلم و اولیای مدرسه و یا حتی دوستان و همکلاسیها ارتباط داشته باشد مشخص و سپس به مداوای ریشه‌ای آن پرداخت. مثلاً دانش‌آموزی که در مقابل هر تذکر مختصری به گریه می‌افتد. (البته گریه برای افراد چیزی عادی است ولی در اینجا منظور بروز گریه به شکل غیرمنتظره و بدور از انتظار است) این دانش‌آموز ممکن است متأثر از رفتار خشن و نامناسب والدین و تحقیرهای مکرر آنان باشد، یا دانش‌آموزی که بیش از حد می‌ترسد و همواره مضطرب و نگران رفتار یا وضع نمرات خود می‌باشد ممکن است به دلیل ترس از تهدیدات مکرر والدین برای گرفتن نمره زیر بیست باشد و یا حتی ترس شدید از معلم و محیط کلاس باشد. برای بهبود هیجانات عاطفی

دانش‌آموزان، مربیان محترم باید ضمن مشاورت با خانواده دانش‌آموزان به ریشه‌یابی علل چنین رفتارهایی پرداخته و خود برای چنین دانش‌آموزانی پدر یا مادری مهربان و امین باشند و محیط امن و آرامی را برای آنها ایجاد نمایند، در چنین شرایطی دانش‌آموز احساس امنیت نموده و امکاناتی می‌یابد تا عقده‌ها و نگرانی‌های درونی را بازگو نماید و هم از ترس، اضطراب، تنفر و نگرانی او جلوگیری بعمل آمده و قادر می‌گردد از استعداد واقعی خود بهره‌گیری لازم را نماید.

ج: مشکلات تدریس معلم

معلم در نحوه تدریس بایستی طیف متفاوت دانش‌آموزان و تفاوت‌های فردی آنان را در برخورد‌های عاطفی و ارائه مطالب در نظر بگیرد تا حتی‌المقدور از بروز مشکلات جلوگیری بعمل آید. او باید بداند طیف استعدادها، تمامی دانش‌آموزان قوی و ضعیف را شامل می‌گردد. وی حتی در تقسیم نگاهها، محبت‌ها و توجهات به دانش‌آموزان باید عدالت را رعایت نماید. با عنایت به اینکه در کلاس، دانش‌آموزانی وجود دارند که قادر نیستند با ارائه مطلب برای یکبار موضوع را متوجه شوند، معلم باید توجه داشته باشد که در موقع ارائه موضوع ممکن است فراگیر به دلایل متفاوتی از جمله تأثرات روحی از مسائل خانوادگی یا مدرسه یا هر موضوع دیگری آمادگی لازم برای توجه به درس را نداشته باشد. بنابراین معلم برای شروع کار تدریس باید آمادگی لازم را از هر حیث ایجاد نموده و انگیزه‌های لازم را به وجود آورد، همچنین تمامی مساعی لازم را به لحاظ توجه به تفاوت‌های فردی معمول دارد تا هیچ احساس خاصی از تبعیض در برخورد‌های او با دانش‌آموزان ایجاد نگردد، که در غیر این صورت، آثار چنین تأثراتی عامل نیرومندی در بی‌تفاوتی، دل‌سردی و نهایتاً تنفر و آزرده‌گی دانش‌آموز از کلاس و معلم خواهد شد. نکته مهم دیگری که باید بدان توجه نمود آن است که چون یادگیری در دروس مستلزم یادگیری مطالب قبلی است، چنانچه دانش‌آموزی مطلبی را نفهمد، قادر نیست مطالب بعدی را

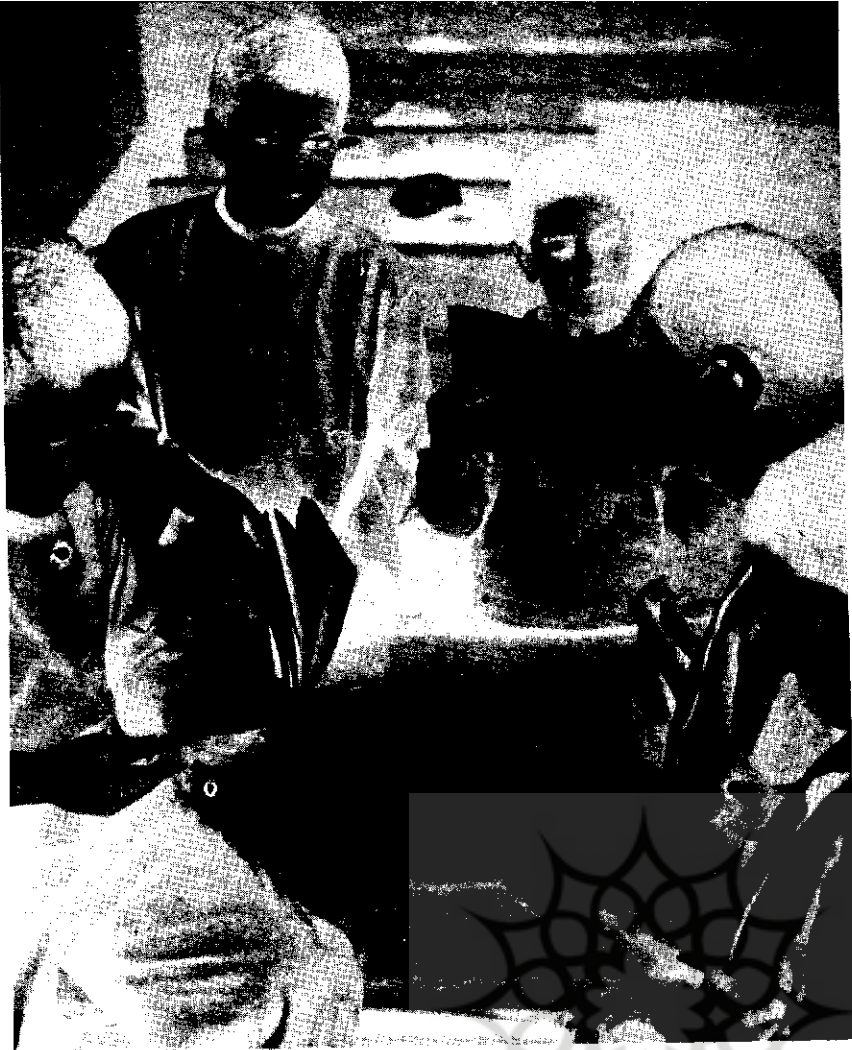
که به آن مرتبط می‌باشند درک نماید. در نتیجه، عدم درک مطالب بر روی هم انباشته شده، عامل ناراحتی و نگرانی فرد را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی دانش‌آموز از فهم و درک مطالب درسی عاجز است و نگران پاسخ به مسائل درسی و امتحان می‌باشد. این شرایط به بی‌زاری و تنفر فراگیر از کلاس و درس منجر می‌شود. نکته بااهمیتی که در یادگیری باید بدان توجه نمود آن است که دانش‌آموز چنانچه موضوع درسی را درک نماید و مطالب را باهم ارتباط دهد نه تنها از آن بیزار نیست و بدش نمی‌آید بلکه پاداش درونی هم می‌گیرد و طبیعتاً خوشحال و مسرور می‌گردد. بعضی از روانشناسان عقیده دارند در فهم مطالب، فرد ذاتاً مسرور و خوشحال می‌گردد و این در اثر پاداش درونی یادگیری می‌باشد.^۱

موضوع مهم دیگری که باید به آن توجه نمود، وقوف و آشنایی کامل معلم به موضوعی که باید ارائه نماید و نیز نحوه و روش ارائه آن می‌باشد. چه بسا معلمی هنوز خود به مطلبی که می‌خواهد ارائه نماید وقوف کامل نداشته و به همین دلیل قادر نیست آنرا در سطح مورد نظر فراگیر ارائه نماید و یا روش مخصوص ارائه را به کار نمی‌گیرد، تحقیقات نشان داده است که معلمین مجرب و خبره به مسائل درسی در کار خود از افراد مبتدی و غیرمجرب موفق‌ترند. بنابراین یکی از مشکلات یادگیری و آموزش فراگیران به نوع سازماندهی و نحوه ارائه مطالب و موقعیت رفتاری معلم با فراگیران برمی‌گردد که در صورت مشاهده بی‌تفاوتی، بی‌زاری از کلاس یا درس یا عقب‌افتادگی آموزشی باید مورد بررسی و توجه قرار گیرد. باید توجه نمود در بررسی از نحوه رفتار دانش‌آموزانی که به جای توجه به درس با عوامل مختلف مزاحم کلاس می‌شوند، چنین دانش‌آموزانی یا مشکل آموزشی در یادگیری دارند و مطالب درسی را درک نکرده‌اند و یا دارای مشکل رفتاری خاصی هستند که محیط کلاس برای آنها قابل استفاده نبوده و آنها به منظور ارضای درونی خود، با مشغول نمودن کلاس و همراه کردن یا جلب توجه دیگران ایجاد مزاحمت

می‌نمایند. برای مقابله با چنین امری باید مشکلات این دانش‌آموزان را بررسی و چاره‌جویی نمود.

د: مشکلات خانوادگی

مسائل خانوادگی طیف وسیعی از مسائل از جمله اختلاف بین پدر و مادر، تا برخوردهای غیر معقول همچون خشونت بیش از حد، یا عطفوت زیاد، وضعیت اقتصادی، روابط اعضای خانواده با هم، موقعیت دانش‌آموز در بین اعضای خانواده، مشکلات رفتاری والدین و بسیاری از مسائل دیگر را شامل می‌گردد، آنچه در این مقوله جای بحث دارد اینکه خانواده به عنوان یکی از پایه‌های اساسی تحکیم و یا تنزل مبانی تربیتی فرد نقش آفرین می‌باشد. کودک در پهنه روانی خود زندگی می‌کند^۲ و این پهنه روانی عمده‌اش در خانواده و در تأثیر از زندگی پدر، مادر، خواهران و برادران شکل می‌گیرد. این تأثیر در روند یادگیری فرد بسیار مؤثر و تعیین‌کننده می‌باشد، تصور نمایید دانش‌آموزی را که صبح با روحیه حساس خود شاهد جدال و نزاع شدید پدر و مادرش بوده است و اکنون با درون پر آشوب به مدرسه آمده و در کلاس پای درس معلم نشسته است، معلم مطالب درسی را می‌گوید و او از نظرگاه عاطفی و فکری دستخوش حوادثی است که صبح بین پدر و مادر رخ داده است. بنابراین قادر نیست مطالب درسی را فرا گیرد، اگر در چنین شرایطی معلم سئوالی از او بکند او قادر نیست پاسخ آن را ارائه نماید، اگر معلم بدون توجه به شرایط درونی و بحران روحی وی او را مورد مؤاخذه و سرزنش قرار دهد نه تنها مشکلی حل نمی‌شود بلکه افسردگی کودک افزونتر و تنفر و نگرانی او شامل مسائل آموزشی یعنی معلم و کلاس نیز خواهد شد. چنانچه معلم سئوالی نکند و دانش‌آموز بدون فهم مطالب، کلاس را ترک کند در برنامه و کلاس بعد وقتی مطالب بعدی ارائه می‌شود چون مطالب قبلی را دریافت نکرده است در فهم مطالب فعلی نیز با مشکل روبروست همین امر موجبات عدم درک مطالب و تسلسل



دشواریهای یادگیری بعدی را فراهم می‌آورد، چنین شرایطی حداقل به عقب افتادگی آموزشی دانش‌آموز منجر خواهد شد. بنابراین بسیاری از عقب‌افتادگی‌های تحصیلی و یا افت کیفی تحصیلی فراگیر به مسائل و مشکلات خانوادگی برمی‌گردد. برای احتراز از چنین زمینه‌هایی اولاً باید پدر و مادر در حضور فرزندان از مجادلات و درگیریهایی حتی مختصر و لفظی خودداری کنند، ثانیاً محیط امن و آرامی را برای فراگیری ایجاد نمایند. دانش‌آموز باید حمایت و تشویق مدام والدین را در تلاش‌ها و کوششهای درسی‌اش با خود داشته باشد. از تحقیر و سرکوفت و مقایسه او با دیگران باید قویاً احتراز نمود. مشکلات خانوادگی از هر حیث را باید حتی المقدور با او مطرح ساخت و نگرانی‌های احتمالی او را مورد توجه قرار داده و بررسی و نسبت به رفع آنها اقدام نمود. در مدرسه نیز باید مربیان وجود چنین مسائلی را در بین دانش‌آموزانی که به شکلی مشکل رفتاری یا عاطفی یا عقب‌افتادگی تحصیلی

دارند با ظرافت مورد مذاقه قرار داده و با برخوردهای مؤثر تربیتی به دانش‌آموزان کمک کنند تا بر مشکلات خود غلبه نموده و به تناسب استعداد خود به فراگیری ادامه دهند بخصوص در این زمینه معلمین نقش عمده و مهمی به عهده دارند، آنها در هنگام شروع درس با توجه به تجاربی که از روحیه دانش‌آموزانشان دارند باید بروز هرگونه موقعیتی را در چهره آنها متوجه شده و به لحاظ آماده نمودن آنها برای فراگیری درس، انگیزه‌های لازم را ایجاد نمایند^۳ و چنانچه از طریق موقعیت کلاسی نتوان مشکل دانش‌آموزی را حل نمود باید با مشاورت‌های خارج از کلاس با دانش‌آموز و در صورت نیاز گفتگو با والدین دانش‌آموز نسبت به حل مشکلات آنها اقدام نمایند.

ه: مشکلات ناشی از توقعات

بیجای مربیان و والدین

همچنانکه پیشتر گفته شد باید میزان توقع مربیان و والدین از دانش‌آموزان از آنها

* بسیاری از عقب‌افتادگی‌های تحصیلی و یا افت کیفی تحصیلی فراگیر به مسائل و مشکلات خانوادگی برمی‌گردد.

معلوم باشد. اگر پدر و مادر و معلم از میزان استعداد و توان فراگیر اطلاع درستی نداشته باشند و فراگیر با حداکثر تلاش براساس استعدادش قادر نباشد از حمایت و تشویق والدین و مربیان خود بهره‌گیری برعکس از اینکه نتوانسته است به شرایط مورد دلخواه آنان نائل آید دستخوش بی‌مهری و عقوبت آنها قرار گیرد، نتیجه چنین امری بی‌شک به بی‌علاقگی، بی‌تفاوتی، افت آموزشی و حتی بیزاری فراگیر منجر خواهد شد.

زیرا فراگیر می‌بیند که علی‌رغم تلاش و کوشش و برخورداری از بهره‌های هوشی و استعداد لازم مورد انتقاد و بی‌مهری والدین و یا حتی مربی قرار می‌گیرد، در صورتی که چنانچه والدین و یا مربی با واقع‌بینی استعداد و توان او را در نظر می‌گرفتند و متوجه این نکته می‌شدند که کسب نمرات وی با توجه به ظرفیت استعدادی او نشان‌دهنده تلاش فوق‌العاده او می‌باشد باید به جای تنبیه و تذکر او را مورد تشویق و حمایت قرار می‌دادند.^۴ برای آنکه میزان توقع هوشی و آموزشی از فراگیر معلوم شود باید استعداد و توان او را مشخص نمود و این امر توسط معلم با اطلاع و با تجربه قابل ارزیابی و تعیین است.^۵ این ارزیابی هم برای معلم و هم برای والدین باید به عنوان ملاک تلقی شده و براساس آن کار فراگیر مورد ارزشیابی قرار گیرد و در صورت تلاش مؤثر و موفق مورد تشویق قرار گیرد. نباید فراموش نمود که دانش‌آموز در پی کسب علم و دانش تلاش طاقت فرسا انجام می‌دهد و این تلاش برای او چون شغلی است که بزرگترها در جامعه به عهده دارند، همچنانکه بزرگترها مورد تشویق قرار می‌گیرند آنان نیز در کارشان باید مورد تشویق و حمایت قرار گیرند بنابراین والدین باید مستمراً از کار و تلاش فرزندان خود

* کودک در پهنه روانی خود زندگی می‌کند و این پهنه روانی عمده‌اش در خانواده و در تأثیر از زندگی پدر، مادر، خواهران و برادران شکل می‌گیرد.

تقدیر کنند و آنان را مورد تشویق قرار دهند، والدینی که دائم فرزندان خود را طعنه زده و تلاش و فعالیت آنان را کم‌بها و بی‌ارح جلوه می‌دهند و یا با دیگران مقایسه می‌کنند موجبات بی‌علاقگی آنان به آموزش و یادگیری را فراهم نموده و در نتیجه افت آموزشی فرزندان خود را فراهم می‌آورند.

و: تکالیف بیش از حد و وسع و ظرفیت فرد

موضوع تکالیف درسی یکی از موارد مهم و نقش‌آفرین در پیشرفت تحصیلی و آموزشی فرد می‌باشد. تاکنون تحقیقات زیادی بر روی نحوه، میزان، کمیت و کیفیت تکالیف درسی دانش‌آموزان، انجام پذیرفته است.^۶ همگی این تحقیقات مؤید این نظریه بوده‌اند که چنانچه میزان و مقدار تکالیف خوب و متناسب با استعداد و حوصله فراگیر باشد بر روند یادگیری تأثیر می‌گذارد و باعث افزایش کیفی آموزش برای دانش‌آموزان خواهد شد.^۷ برعکس چنانچه مقدار و میزان تکالیف در حد وسع و حوصله و توان فراگیر نباشد نه تنها اثری بر روند آموزش و یادگیری ندارد، بلکه به زدگی، نگرانی و نهایتاً به ایجاد واکنش منفی فراگیر نسبت به درس خواهد انجامید.^۸ خوشبختانه در شرایط کنونی بخصوص در کلاسهای ابتدایی، میزان و تعداد تکالیف برای اغلب دروس تعیین و در پایان هر درس بیان گردیده است. اما بعضی از مربیان با علاقه و سلیقه شخصی میزان تکالیف را تعیین و به دانش‌آموزان تکلیف می‌نمایند، چنانچه انجام چنین سلیقه‌های مشخصی مبتنی بر علم و اطلاع معلم از - حوصله و توان دانش‌آموزان و مبتنی بر قوانین یادگیری باشد، مطلوب است. در غیر این صورت ممکن است میزان نامناسب (کم یا زیاد) تکالیف عامل کاهنده‌ای در آموزش و یادگیری به حساب

آید، نکته مهم در مسئله تکالیف درسی و کنترل و بررسی آنها و رفع نواقص احتمالی آنها می‌باشد چنانچه دانش‌آموزان از بررسی تکالیف خود توسط آموزگاران خود مطمئن باشند سعی و تلاش فراوانی برای انجام درست و صحیح آنها خواهند نمود.^۹ در غیر اینصورت دقت لازم و توجه لازم به انجام تکالیف نمی‌شود و به همین دلیل بار آموزشی لازم را ایجاد نخواهند نمود. نکته دیگری که باید بدان توجه نمود آن است که دانش‌آموزان چه مدت و چه مقدار از وقت منزل را باید به فراگیری دروس اختصاص دهند؟

بعضی از خانواده‌ها تصور می‌نمایند دانش‌آموز بعد از آمدن به خانه باید بلافاصله در مدتی که در اختیار دارد به دوره و فراگیری دروس بپردازد، به عبارت واضحتر آنها از فرزند خود انتظار دارند که عمده اوقات خالی را به فراگیری دروس بپردازد، باید گفت که از نظر مربیان تربیتی، پرداختن فراگیر به مسائل درسی، بیش از آنچه برنامه آموزشی می‌طلبد (اشتغال دانش‌آموز به امور درسی در کل اوقات فراغت او در منزل) امری ناروا و تأثیری نامناسب در علاقه به آموزش داشته و نیز علاقه‌مندی به امور درسی را در آینده کاهش می‌دهد. همچنانکه بیشتر نیز گفته شد ابعاد شخصیتی فرد شامل ابعاد جسمی، اجتماعی، عقلی و عاطفی می‌باشد. شخصیت فرد باید در ابعاد متفاوت به شکل متعادل رشد نماید، اصرار بر انجام مسائل آموزشی به تنهایی در اوقات فراغت، غفلت از ابعاد جسمی، اجتماعی و عاطفی فراگیر را سبب می‌گردد، او باید در ایام فراغت هم در جمع دوستان حاضر شده و بازی کند، هم در مرادوهای

* چنانچه دانش‌آموزان از بررسی تکالیف خود توسط آموزگاران خود مطمئن باشند سعی و تلاش فراوانی برای انجام درست و صحیح آنها خواهند نمود.

اجتماعی با خانواده‌اش مشارکت نماید و هم به گردش و تفریح بپردازد، تنها در صورت استفاده از اوقات فراغت در شکل‌های یاد شده است که روحیه دانش‌آموز شاد و آماده تلاش برای تحصیل در روز بعد می‌گردد. همچنین ابعاد اجتماعی و جسمی او با حضور در جمع و تکاپوی جسمی در بازی و تفریح رشد لازم را خواهند نمود. بنابراین هم والدین و هم مربیان باید توجه داشته باشند که مقدار تکالیف درسی دانش‌آموزان باید به گونه‌ای باشد تا ضمن وجود ارتباط درسی خانه و مدرسه، فرصت لازم برای دانش‌آموز به لحاظ پرداختن به سایر اموری که لزوماً به رشد دیگر ابعاد شخصیتی او منجر خواهد شد، فراهم شود و توجه نمایند که چنانچه کل وقت فراگیر به درس و تکالیف درسی بگذارد از نظر تربیتی صحیح نبوده و باعث نگرانی روحی و بی‌تفاوتی و بعضاً تنفر او از مسائل آموزشی خواهد شد.

دانش‌آموزانی که در دبستان درس می‌خوانند و بیش از ۴ ساعت از وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند، چنانچه قرار باشد بقیه ایام روز را هم به انجام تکالیف بپردازند در معرض آسیب‌پذیری بیشتری از نظر آموزشی قرار می‌گیرند، در چنین مدرسه‌ای باید طوری برنامه‌ریزی نمود که دانش‌آموزان تکالیف خود را در مدرسه انجام داده و در هنگام مراجعت به منزل، باقیمانده ایام فراغت را صرف بازی و سرگرمی‌های مورد علاقه نمایند، در چنین شرایطی آنها در انجام تکالیف در وقت اضافی در مدرسه کوشاتر و با علاقه‌مندی بیشتری اقدام خواهند نمود، زیرا می‌داند در بازگشت به منزل دیگر تکالیف درسی ندارند، همچنین باید دقت نمود که در ساعات اضافی بیشتر از امور فوق برنامه و دروسی که عمدتاً با علاقت دانش‌آموزان سازگار باشد استفاده نمود.

پی‌نوشتها:

- ۱- روانشناسان شناختی معتقدند که فرد در اثر یادگیری پاداش درونی می‌گیرد و این امر مهمترین عامل در ایجاد انگیزه‌های یادگیری می‌باشد.
- ۲- کورت لوین روانشناس آلمانی معتقد به نظریه میدانی می‌گوید: «فرد در مجموعه‌ای از تأثیرات روانی خود بسر می‌برد و رفتار او و یا عکس‌العمل او در حقیقت برآیند مجموعه تأثیرات روحی و روانی اوست.»
- ۳- اصطلاح تکلیف رشد توسط مربیان دقیقاً به همین منظور بیان گردیده است. یک تکلیف رشد اصولاً یک تکلیف یادگیری است که یادگیرنده‌ها باید آن را کسب نمایند تا شخصی سالم، موفق و مولد در جامعه باشند، هر تکلیف رشد در زمان یا تقریباً مرحله مشخصی از زندگی فرد ظاهر می‌گردد.
- اسراری، دکتر علی نقی: جزوه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم
- ۴- یکی از مباحث پراهمیت در انگیزش تحصیلی نقش پاداش و تقویت می‌باشد. مربی و والدین با بهره‌گیری مناسب از وجود محرک‌های پاداش و تقویت می‌توانند تأثیر مؤثر و مطلوبی بر روند تلاش و تحرک درسی فراگیران ایجاد نمایند تقویت‌کننده‌ها شامل طیف فراوانی از محرک‌هایی می‌شود که در نزد فراگیر به عنوان پاداش و محرک رفتار درسی او می‌گردد. این پاداش‌ها خنده و رضایت معلم و والدین را شامل شده تا هر محرکی که بتواند انگیزه عمل آموزشی فراگیر را فراهم آورد. مثلاً کاهش تکالیف درسی به شرط رضایت از نمره یا پاسخ به درس توسط معلم، بردن به گردش به شرط آوردن نصاب لازم نمره در فلان درس، رفتن به منزل فلان دوست، شرط انجام تکالیف درسی در منزل و یا تقدیم پاداش‌های نقدی و جنسی متناسب فراگیر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انگیزش‌های تحصیلی فراگیر ایجاد نماید.
- ۵- برای اطلاعات بیشتر به کتاب «چگونه بهره‌های هوشی فرزندان خود را اندازه بگیریم» تألیف ویلسون گریلز، ترجمه لیلی انگلی و سیدیه فرشچی، همچنین به کتاب «روان‌آزمایی» نوشته ا. آناستازی، ترجمه محمد نقی براهنی مراجعه فرمایید.
- ۶- قورجیان، نادرقلی: «فصلنامه تعلیم و تربیت»، سال هشتم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۷۱ و جمع‌بندی تحقیقات پیرامون تکالیف شب پایه تحصیلی تأثیری چشمگیر بر سودمندی تکالیف شب دارد نوشته هریس کوپر، ترجمه فاطمه فقیهی قزوینی.
- ۷- الهام پور، حسین: «بررسی اثربخشی انجام تکالیف شب بر روی پیشرفت تحصیلی» پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- ۸- همان منابع ۶ و ۷
- ۹- مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که تکالیفشان کنترل می‌شود با دانش‌آموزانی که تکالیفشان کنترل نمی‌شود، تحقیق درسی دوره کارشناسی

مراجع:

- ۱- بیلر، رابرت: کاربرد روانشناسی در آموزش، جلد ۱ و ۲ ترجمه پروین کدیور.
- ۲- سیف، علی‌اکبر: روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه، سال ۱۳۶۳.
- ۳- شریعتمداری، علی: روانشناسی تربیتی، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۰.
- ۴- پارسا، محمد: نظریه‌های یادگیری و آموزشی، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، سال ۱۳۵۷.
- ۵- لوی، الف: برنامه‌ریزی درسی در مدارس، ترجمه فریده مشایخ.